

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

چین و پاکستان در صدد "شکار" شبخ ایالات متحده در کشورما چگونگی افشای اسناد محرم جنگ امریکا و متحدین آن در افغانستان فراخواندن نظامیان امریکایی و تغییر توازن قوا

آیا فراهم شدن پس زمینه مداخله دوباره خارجی‌ها در کشورما ممکن می‌باشد؟
سیری بر اوضاع سیاسی در واپسین روزها و ایام جمهوریت در کشور
چگونگی بقدرت رسانیدن گماشتگان امریکایی
فرماندهان محلی و متکلمان

ستراتژی کلان ایالات متحده در خاورمیانه چگونه تبیین می‌گردد؟ در پاسخ می‌توان چنین فرضیه‌ای را مطرح نمود که از جمله مناطقی که در امتداد دوده‌پسین، بیش از سایر حوزه‌های جغرافیایی، شاهد حضور و تأثیرگذاری امریکا بوده، منطقه مهم و ستراتیژیک خاورمیانه می‌باشد. در واقع ایالات متحده در مقام یک قدرت مداخله‌گر، بویژه پس از جنگ سرد، منافع متعددی را برای خویش در این منطقه تعریف کرده و متناسب با آن، حضور چشمگیری در معادلات منطقه متذکره داشته است. همین امر سبب می‌گردد تا بررسی تعامل دو وجه سخت و نرم قدرت در رفتار این کشور در خاورمیانه بتواند در راستای دستیابی بیک درک کلی از ستراتیژی کلان ایالات متحده یاری رسانده باشد. ایالات متحده بمثابة رأس سلسله‌مرا تب قدرت در جهان پس از جنگ سرد، بمراتب بیشتر از دیگر قدرت‌های بزرگ، از منابع قدرت در دوچهره، سخت و نرم آن برخوردار می‌باشد. این واقعیت درکنار وسعت منافع و علایق این کشور، ضرورت استفاده بموقع از هر دوگونه قدرت را در ستراتیژی کلان آن، پارمغان می‌آورد. ضرورتی که پدیدآورنده نوعی تعامل میان قدرت سخت و قدرت نرم در ستراتیژی کلان این کشور است که بواسطه حضور چشمگیر آن در خاورمیانه و اهمیت این منطقه در دوران پس از فروپاشی شوروی، تعامل مزبور در ستراتیژی خاور میانه ایی ایالات متحده، جایگاه قابل توجهی در مطالعه و بررسی سیاست بین‌الملل دارد. بررسی این تعامل بگونه طبیعی مستلزم شناخت ستراتیژی کلان ایالات متحده در خاورمیانه بویژه در دوده‌پسین می‌باشد.

بمنظور وضاحت بیشتر و انکشاف موضوع مورد بحث حاضر، اندکی باید بعقب برگشت. مدتی قبل، پس از انجام گفتگوهایی میان دولت‌های چین و پاکستان، اعلامیه ۳۳ ماده‌یی که در اوایل سال جدید ترسایی در پایان نشست چهارروزه نخست وزیر پیشین پاکستان درچین بنشر رسید، یکباردیگر درمورد تحکیم مناسبات و روابط میان دوکشور تأکید بعمل آمد. درملاقات و گفتگوهای یادشده، درکنار موضوعات دیگر، درباره علاقمندی طرفین بمسائل مورد بحث و نگاه آنها به قضایای موجود، بویژه چگونگی موضعگیری‌های منطقه‌یی، تصامیمی اتخاذ گردیده و بویژه در امر دفاع از حاکمیت ملی، استقلال و امنیت هر دوکشور و همچنان ارائه معاونت‌ها در عرصه انکشاف اجتماعی - اقتصادی و رشد و ترقی پاکستان تأکید بعمل آمد. همچنان در مورد "مسأله کشمیر"، پکن مخالفتش را در اقدام یکجانبه که در نوع خود به تشنج اوضاع خواهد افزود، اظهار نموده و بحث و گفتگوهای درزمینه انجام گرفت که توسط مقامات هندی بمثابة کنایه آشکار به لغو وضعیت ویژه جمو و کشمیر پنداشته شد. علاوه برآن، در مورد یک ابتکار قابل توجه نیز بحث و گفتگوهای آنها همچنان تداوم حاصل نمود کاز جمله در برگیرنده طرح ابتکاری بمنظور آغاز گفتگوهای سه جانبه میان کابل - پکن و اسلام آباد و بررسی چگونگی ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی در افغانستان، بوده و قبل از همه، بویژه در امر آغاز و تداوم کمک‌های بشردوستانه به شهروندان کشور تأکید جدی بعمل آمد تا هرچه زودتر از بحران بشری کنونی رهایی یابند. همچنان طرفین در باره آزادسازی سرمایه‌های توقیف شده بانک مرکزی کشورما نیز تأکید بعمل آورده و اقدام مقتضی در مورد را بویژه در شرایط و وضعیت کنونی، حیاتی پنداشتند.

همانطوری که جهان و جهانیان وارد دوران تحول و دگرگونی می شوند، مناسبات و روابط میان کشورها نیز دستخوش تغییراتی می گردد.

قابل یاددهانی پنداشته میشود که با بقدرت رسیدن "طالب"ها درکشور و ارتباط آن خروج عجلانه نظامیان امریکایی از اراضی متعلق بافغانستان، توازن قوای درهم پیچیده منطقه بی برهم خورد. علیرغم شکست عمدی "مقاومت"، بویژه مرتبط با مقامات قبلی کاز "موفقیّت"های آن مسایل بیشماری از طریق شبکه های اجتماعی بااطلاع همگان رسانیده می شود، همین اکنون درقلمرو اراضی متعلق به کشور عزیزما افغانستان، گروه های بیشمار تروریستی بانجام اقدامات شان همچنان ادامه می دهند کاز جمله می توان از موجودیت گرو هندی "حزب تحریر" یا شاخه های محلی "دولت اسلامی" که در انجام و بسررسائیدن فعالیت های تخریبکارانه بمثابة ابزار ژئوپولیتیک سازمان های اطلاعاتی غرب سابقه طولانی دارند، نامبرد.

نباید فراموش خاطرما شود که با حادثر شدن بحران انسانی در کشورما و مسدود شدن دارایی های بانک مرکزی، کاهش سرمایه درکشور عملن بمشاهده می رسد که خود بعامل فشاری علیه شهروندان کشورما مبدل گردیده و وسیله ای بمنظور سوءاستفاده های کاخ سپید از وضعیت پیش آمده محسوب می گردد. بر بنیاد ادعاهای مطرح شده، با استعفا ی خلیل زاد که بمثابة نماینده ویژه واشنگتن در مورد مسایل مربوط به کشور ما مؤظف بود، "سازمان اطلاعات مرکزی" امریکا بگونه مستقیم بر مناسبات و ارتباطات واشنگتن با "طالب"ها نظارت دارد. در اینمورد بایست اضافه گردد که در ستراتیژی منطقه بی ایالات متحده، برخی تعدیل هایی رونما گردید. انتظار برده می شد راهبرد یادشده، بویژه پس از خروج آخرین نفرات و انتقال تجهیزات امریکایی، بگونه قابل ملاحظه ای محدود گردد.

وزارت مالیه ایالات متحده متذکر گردید که بانک های بین المللی می توانند بمنظور اهداف بشردوستانه بافغانستان موارد نقدی انتقال دهند و همچنان گروه های امدادی نیز می توانند بدون هراس از نقض تحریم ها علیه "طالب"ها بآموزگاران و کارکنان مراقبت های بهداشتی که در مؤسسات دولتی مصروف اجرای وظیفه می باشند، حقوق شان را بپردازند.

در اوایل ماه دلو سال پار، ایالات متحده بگونه یکجانبه، اصل تحریم ها علیه "شبکه حقانی" و بگونه مشخص علیه سراج الدین حقانی را در شرایطی وضع نمود که رهبر گروه یادشده بمثابة سرپرست وزارت امور داخله امارت اسلامی "طالب"ها شناخته می شود. این ساده لوحانه خواهد بود اگر تصور گردد که ملاقات و گفتگو های اسلو میان "طالب"ها و امریکایی ها، بوضاحت کامل، انعکاس دهنده ایجاد تصحیحاتی در ستراتیژی منطقوی و عمدتن در مورد دورنمای ژئوپولیتیکی ایالات متحده بحساب می آید. در وضعیت اینچینی، ساختار های مالی و سازمان های بین المللی می توانند روی "طالب"ها سرمایه گذاری نموده و مؤسسات کمک کننده و اهدا کننده با جناح رادیکال آنها کاری نمایند.

نباید فراموش نمود کاز سرگیری مجدد ارتباط ها میان کابل و دوحه، جو بایدن قطر را از جمله متحدین عمده خارج از ناتو محسوب نمود. در عین زمان، امارت نامبرده، پس از این، مسؤلیت گذرگاه های هوایی کابل را نیز بر عهده خواهد داشت. بدین ترتیب واشنگتن توسط افراد و شخصیت های معتمد منطقوی در صدد ایجاد و تقویت زیرساخت هایی بمنظور انجام و اجرای عملکردهایش در "قلب آسیا"، بویژه با تکوین تغییرات در دورنمای ژئوپولیتیکی منطقه می باشد.

در زمینه فوق، روابط و مناسبات میان کابل و اسلام آباد کاز سابق هم چندان با هم متحد نبودند، بگونه محسوس بدتر شده است. در مورد یادشده، خودداری "طالب"ها از برسمیت شناختن و نپذیرفتن خط استعماری "دیورند" بمثابة مرز افغانستان - پاکستان که در سده ۱۹ توسط استعمار انگریزی بریتانی بر پیکر کشورما تحمیل گردید و همچنان پذیرایی "طالب"ها از "برادران" پاکستانی (تحریک طالب های پاکستان) که از آغاز سال روان اقدامات تروریسی سازمان یافته ای را علیه منافع پاکستانی نیز انجام می دهند از جمله عوامل و فاکتورهای نیدخل در امر فوق، پنداشته می شود. در کنار اینهمه، تناقضات و ضد و نقیض گویی هایی میان "طالب"ها نیز عملن موجود می باشد. قابل یاددهانی پنداشته می شود که عوامل و فاکتورهای یادشده، همه دست بدست هم داده و اصل برسمیت شناختن بین المللی "امارت اسلامی افغانستان" را با مشکل و مانع مواجه می نماید.

بر بنیاد اظهارات کارشناسان و دست اندرکاران امور و مسایل مربوط بکشورما، چنین مفکوره هایی نیز مطرح

می‌گردد که حاکمان کنونی افغانستان در قبال نفوذ و عملکردهای استادان شناخته شده "بازی بزرگ"، آسیب پذیرتر از همیشه می‌باشند. چه، بگفته آنها، "طالب"ها در وضعیت کنونی از منسجم ترین گروه‌ها در افغانستان پنداشته می‌شوند. بگفته آنها، گروه یادشده، شاهد هیچگونه انشعابی نبوده و با وجود تناقضات درونی آنها، گروه یادشده تاکنون هم بحیاطش ادامه داده است. با وجود تناقضات و ضدونقیض گویی های عدیده ای که مخالفان آنها سبب ساز عدم وحدت "طالب"ها پنداشته واز دوگانگی و چندگانگی آنها خبر می‌دهند، اما در عمل، هیچگاهی از هم مجزا نگردیده اند. مدتی قبل، بارنت روبین، مشاور قبلی وزارت امور خارجه ایالات متحده و ریچارد البروک که زمانی نماینده آن کشور در مسایل مربوط به کشورما و پاکستان بود، اظهار نمود که سی. آی. ای، مبلغ یک میلیارد دالر را بمنظور ایجاد شکاف میان "طالب"ها هزینه نموده و اما در زمینه یادشده از موفقیتی برخوردار نگردیدند. آیا این، در نوع خود، بمثابة پرسش قابل بحث بشمار نمی‌آید؟ باینحال، اما نشاندهنده علاقه واقعی بموضوع مورد بحث پنداشته شده و در آینده های نزدیک، شاهد و ناظر شگفتی هایی در مورد یادشده خواهیم بود. باز شدن درب ها بمنظور تعامل با "شبکه حقانی" کارتباطات و پیوندهای محکمی با پاکستان دارد، ممکن بگونه کلی، نشانه ای از آغاز مرحله جدید از آرامی های پایان ناپذیر "بازی" افغانی محسوب گردد. تقابل های فرکسیون در اردوگاه بنیادگرهای اسلامی (بگونه ویژه در "حزب اسلامی")، مشروط به ضد و نقیض گویی ها و مخالفت های ایدئولوژیک نه، بلکه بر بنیاد جغرافیای منطوقی و تفاوت های قومی و نژادی - قبیله‌ای و اختلافات ناشی از آن مبتنی می‌باشد.

این واقعیت، بیش از هر زمان دیگر واضح و مبرهن گردیده که حقانی بنماینده از قبیله خدران که بیشترین تعداد آنها در ولایت های خوست، پکتیا، پکتیکا و بخش های جنوب شرقی کشور و همچنان بخشی از آنها در وزیرستان پاکستان رحل اقامت افکنده اند، وارد صحنه گردیده است. در عین زمان، ملا حسن آخوند، ملا عبدالغنی برادر، ملا محمد یعقوب و دیگران از قبیله ابدالی (درانی) ولایت کندهار می‌باشند. اختلافات اساسی شورای "کندهار" و شورای "کوئته" حتا در امتداد زمانی موجودیت و حضور نظامیان شوروی در کشورما تبارز نمود که در نوع خود با رنگ های جهاد دینی و وحدت زودگذر در امر تقابل با کفار رنگ آمیزی شده بود. در شرایط و اوضاع و احوال کنونی و امروزی، هیچ فردی حتا در جهان نمی‌تواند با یقین کامل اظهار نماید که ملا هبیب الله آخوند زاده در قید حیات می‌باشد.

اما باین حقیقت باید معترف بود که نبود حاکمیت و اقتدار نیرومند و ریشه دار در کشور، بخودی خود، به شکل گیری تشنج کمک نموده و سبب ساز تشدید آشفتگی و نوسان میان "طالب"ها می‌گردد. وضعیت متذکره، بنحوی از انحاء بویژه پس از کشته شدن برخی از شخصیت های تأثیرگذار "شورای کوئته"، به ضعف مراقبت های سازمان استخبارات داخلی پاکستان (آی. اس. آی)، بر "طالب"ها صحه می‌گذارد. وضعیت اینچنینی، قبل از همه و بنحوی از انحاء، گهگاهی سبب ساز تشدید تشنج و درگیری هایی در امتداد خط "دیورند" نیز می‌گردد.

بخاطر باید داشت که پیوندهای فرامرزی "شبکه حقانی" بویژه با سی. آی. آی. تاریخ طولانی دارد. گروه بنیادگرهای تروریستی یادشده، یگانه فرکسیون "مجاهدین" بود که در دوران حاکمیت جنرال ضیاالحق در مدت زمان "جهاد" در جریان سال های ۸۰ به گروه یادشده، در سرزمین و اراضی پاکستان اجازه حضور داده شده و موظف بانجام اقدامات و فعالیت های تخریبکارانه از اراضی پاکستان علیه کشور خویش گردیده و رسالت بخاک و خون کشانیدن هموطنان و تخریب هر آنچه را که نشانه ای از تمدن و مدنیت در خود نهان داشت، بآنها تفویض نمودند. این حقانی ها بودند که بمثابة "مبارزان آزادی" امریکایی، مسؤلیت حفظ جان و تأمین امنیت مأمور ارزشمندی (!) چون اسامه بن لادن را بر عهده گرفتند.

در این بخش پرسشی مطرح می‌گردد کآیا با در نظر داشت پیشینه تاریخی، کاهش تحریم های یادشده ایالات متحده علیه حقانی ها امر تصادفی پنداشته می‌شود؟ آیا زمینه احیای ارتباط ها و پیوندهای مستقیم آنچه در ۴۰ سال قبل مطرح بود، موجود می‌باشد؟ و همچنان سوال های بشمار دیگری نیز در زمینه فوق وجود دارد که بایست بآنها پاسخ ارائه گردد.

نباید این واقعیت فراموش خاطر ما شود که بازگشت احتمالی شیخ ایالات متحده بکشورما، بگونه مستقیمی، اسباب نگرانی های چین، پاکستان، ایران و همچنین ناراحتی های کشورهای آسیای مرکزی و روسیه را بیار خواهد آورد.

بربنیاد اعلامیه مشترک منتشره پس از ملاقات و گفتگوهای پکن و اسلام آباد، بوضاحت کامل انعکاس دهنده این واقعیت محسوب میگردد که بویژه جمهوری مردم چین، بگونه جدی مخالف استفاده و بکارگیری اراضی مربوط بکشورما بمنظور ایجاد تشنج وضعیت در منطقه می باشد، چه چنین وضعیتی از یکسوی بامنیت کشور های آسیای مرکزی آسیب رسانیده و از جانب دیگر، مشکل ایگورها را نیز به معضلی مبدل خواهد نمود. بنابراین، تداوم وضعیت موجود و بویژه دوربعدی "بازی بزرگ" در هر دو طرف هندوکش با هیجاناتی همراه خواهد بود. مسأله متذکره ممکن برای ناظر بیرونی قابل مشاهده نباشد، اما در هر صورت، این واقعیت واضح و مبرهن می باشد که در ماه سپتامبر سال پاردرمورد اعلام ختم حضور نظامیان امریکایی و فرا خواندن آنها از کشورما، اقدام عجولانه ای بعمل آمد.

شنبه ۲۴ ماه ثور سال ۱۴۰۱ خورشیدی